



فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

عبدالوهاب فراتی^۱

چکیده

از میان بحران‌های سیاسی که در جهان اسلام وجود دارد، فقدان دموکراسی و میل به اقتدارگرایی در صدر آن‌ها قرار دارد. گذشته از علل و عوامل جامعه شناختی که در باره آن ذکر می‌کنند، اما به نظر می‌رسد عدم تحلیل جوهره آن در سایه اندیشه دینی مزید بر علت شده است. دموکراسی متعلق به غرب و استقبال از آن در جهان اسلام نیازمند بازسازی آن بر مدار نص است. این که ساختار باید از اقتدارگرایی به درآید و نقش مردم در زندگی سیاسی افزایش یابد، مهم است اما آنچه مورد غفلت قرار می‌گرفت پرداختن به جوهره دموکراسی یعنی رقابت سیاسی است که بدون آن اساساً دموکراسی بی‌معنا می‌شود. آنچه به دموکراسی هویت می‌بخشد و آن را از ساختار اقتدارگرایی جدا می‌سازد، رقابت سیاسی است و نه مشارکت سیاسی؛ ممکن است در نظامی اقتدارگرا مشارکت افزایش یابد و حاکمیت با رأی بالا بر سر قدرت بماند؛ اما همچنان بر وجه اقتدارگرایی خود باقی بماند. از دهه ۱۹۲۰م که از آن به بهار استقبال از دموکراسی در جهان اسلام یاد می‌کنند تا اتمات زیادی در باره ابعاد مختلف دموکراسی از منظر اسلامی شده است، اما در باره جوهره آن که همان رقابت سیاسی است کمتر توجه شده است. این که موضع اندیشه دینی در قبال این مفهوم چیست؟ و کدامیک از ابواب فقهی قادر به ضابطه مند کردن آن در درون یک نظام سیاسی است؟ از نظرگاه این مقاله باب سبب و رمایه می‌تواند مسیر چنین رقابتی را روشن سازد و قواعد اسلامی آنرا بیان کند. روش شناسی این مقاله، همان روش متداول موضوعات جدید فقهی است که بر اجتهاد حوزوی ابتناء دارد. این بررسی نشان می‌دهد که فقه رقابت سیاسی را پذیرفته و برای آن قواعدی قائل است که عمل به آن‌ها می‌تواند چنین رقابتی را موجه سازد.

واژگان کلیدی: فقه سیاسی، رقابت سیاسی، نظریه بازی‌ها، سبب و رمایه، قواعد فقهی

DOI: 10.27834/CSIW.2312.1333.4.31.5

^۱ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران، forati129@yahoo.com

استناد: فراتی، عبدالوهاب. (۱۴۰۲). فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۰(۴)، ۴۹-۶۶.



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

به رغم گذشت چهار دهه از برچیده شدن نظام استبدادی و گسستن روابط حقوقی و سیاسی پیشین بر اثر با رخداد انقلاب اسلامی، همچنان چگونگی رقابت‌های سیاسی از منظر فقه سیاسی دینی در هاله‌ای از ابهام بسر می‌برد. مروری بر ادبیات جهان اهل سنت که اصطلاح «التنافس السياسي» را مورد بررسی قرار داده اند، نشان می‌دهد که آنان نیز به رغم گسترش موج دموکراسی خواهی در جوامع عربی و اسلامی کمتر به بررسی آن از منظر فقه پرداخته و بیشتر بر ساختار غیراقتدارگرایانه قدرت سیاسی تأکید کرده‌اند. بررسی مواد قانون اساسی برخی از این کشورها نیز نشان می‌دهد که هنوز قدرت سیاسی را محفلی و قبیل‌ای می‌دانند و راهی برای ورود دیگر اقشار جامعه به آن باز نمی‌کنند. اینکه رقابت‌های سیاسی در درون نظام سیاسی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و گروه‌ها و احزاب سیاسی چگونه می‌توانند به جای رقابت در مقابل با نظام سیاسی در درون آن به رقابتی اخلاقی و مدنی پردازند؟ پرسش‌های نسبتاً بی‌جوابی‌اند که عدم ایضاح آن‌ها بر سرنوشت عمومی نظریه دموکراسی اسلامی که در ایران به مردم سالاری دینی تعبیر می‌شود، تأثیر منفی نهاده است. اگر چه نظریه مردم سالاری دینی ایده‌ای برای گذار ما از سنت استبدادی به سنتی دموکراتیک بود اما اضلاع این نظریه به‌ویژه در حوزه رقابت‌های سیاسی فاقد الگویی روشن‌اند و به همین دلیل نیز صحت روایی آن را در معرض تردید قرار داده‌اند. این که مردم باید در سرنوشت خود مشارکت جویند، اینکه حزب همانند ماشینی است که انسان طبیعی را به شهروندی با وقار، اخلاقی و هدفمند تبدیل می‌کند؛ در فرضی تحقق می‌یابند که اصل رقابت‌های سیاسی در معرفت دینی مورد توجه قرار گرفته باشد؛ و اندیشمندان سیاسی بر آن تأکید دارند: «جوهر دموکراسی بیشتر در رقابت سیاسی نمایان می‌شود تا مشارکت سیاسی. حتی مشارکت سیاسی مردم در یک انتخابات تضمین‌کننده وجود دموکراسی نیست. چه بسیار نظام‌های غیردموکراتیکی موفق به احضار اکثریت قریب به اتفاق مردم در صحنه انتخابات شده‌اند. در مقابل جوهر دموکراسی در رقابت و کثرت‌گرایی نهفته است (Bashiriyah, 2008: 89).

تا کنون تبیین‌های اندکی در این باره شده است که احتمالاً نتوانند مبنای تئوریک رقابت‌های سیاسی در فقه سیاسی اسلام را پی‌نهند. تحلیل رقابت سیاسی از نظرگاه فقه سیاسی مستلزم آن است که آن را از استعاره جنگ و مرآء خارج و آن را در منطبق با بازی‌ها (مسابقه در خیرات) بازسازی

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

کنیم و بدین گونه قواعد فقهی حاکم بر بازی های حلال را بر آن بار بنهیم. این که چرا چنین می کنیم و رقابت سیاسی را در باب «السبق و الرمايه» مورد بررسی قرار می دهیم؟ بدین سبب است که رقابت سیاسی به تعبیر مرحوم بهشتی، یک نوع مسابقه و بازی است که امروزه حتی در مغرب زمین آن را در قالب بازی احزاب مورد مطالعه قرار می دهند. امروزه وقتی از رقابت سیاسی سخن به میان می آید معمولاً از سه نوع رقابت یاد می کنند: رقابت سیاسی بر نظام، رقابت سیاسی با نظام و رقابت سیاسی در نظام (Khwaja Sarvi, 2003: 66-74). مراد از رقابت سیاسی در این نوشتار، معنای سومی آن است که در میان آن دو نوع دیگر قرار می گیرد و برای آن نیز می توان بر اساس هنجارهای پذیرفته شده آن نظام، حدودی تعریف کرد تا بازیگران سیاسی از آن حدود تجاوز نکنند و به آن ها احترام نهند و البته نظام سیاسی نیز به چنین رقابتی تن دهد و عرصه را بر آن ها تنگ نکند. از این رو، مراد از رقابت سیاسی در چارچوب نظام، عبارت است از: «هر نوع تلاش آشکاری در چارچوب نظام، عمدی و نسبتاً با دوام و مسالمت آمیز، خواه نامنظم و خواه منظم (نهاده) بین افراد و گروه ها بر سر بدست گرفتن قدرت سیاسی، که این رویارویی از حد عدم توافق و مجادلات معمولی و موقتی فراتر رفته و به صورت جبهه بندی و رویارویی ها پایدارتر در چارچوب نظام ظاهر می شوند» (Delawari, 2008: 62). در این تعریف، رقابت سیاسی، دعوایی آشکار بر سر تصاحب قدرت است که باید در درون ارزش های یک نظام سیاسی قاعده مند شود و الا موجب بروز جنگ و کشمکش های داخلی می گردد.

۱- پیشینه تحقیق

در باره موضوع مقاله دو دسته پیشینه وجود دارد: دسته اول؛ اشاره به آثاری دارد که رقابت سیاسی را ذیل دموکراسی مطرح کرده و عدم نسبت روشن میان فقه و دموکراسی را به عنوان مشکل کنونی جهان اسلام به ویژه ایران دانسته اند. در میان نویسندگان پرکار دوره اخیر مرحوم دکتر داود فیرحی (۱۳۴۳-۱۳۹۹ش) قرار داشت که اساساً پروژه فکریش، همین مسأله بود. از نظر او، بد ساختگی جامعه در جوامع اسلامی به بد ساختگی دولت باز می گشت و این بد ساختگی نیز ریشه در عدم تبیین دقیق رابطه دین و دولت مدرن یا همان دموکراسی داشت. او در آثار متعددی از جمله فقه و سیاست در ایران معاصر به آشنفتگی های این رابطه اشاره و خواهان ترسیم مناسبات

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

فقه به عنوان اصیل‌ترین دانش اسلامی با حکمرانی حزبی شد (Firhi, 2017: 229). هدف او در کلیه این آثار پیدا کردن سرچشمه‌های حق برای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های مردم در درون فقه بود تا بدین روش، فقه را با دولت مدرن به آشتی رساند. آثار دیگری نیز وجود دارد که در امتداد چنین پروژه‌ای نبودند، اما در پی امکان تطبیق فقه بر دموکراسی مشورتی بودند. از نظر عبدالمجید مبلغی، وجود استعدادی معرفت‌شناختی در فقه میرزای نائینی در مشروطه وجود دارد که در صورت بسط یافتن و جدی گرفته شدن، رویکرد به دموکراسی مشورتی را به نحو مؤثری ممکن و تسهیل خواهد کرد. از نظر وی دموکراسی مشورتی که طبعاً بر نوعی رقابت سالم بر سر قدرت سیاسی نیز استوار است می‌تواند بحران ناکارآمدی دولت در نظام‌های سلطنتی مستبدانه را بهبود بخشد و بدین گونه راهی به سوی مشارکت مردم در امر حکمرانی فراهم آورد (Moballeghi, 2016: 423-439). در مقاله فقه سیاسی و دموکراسی نیز سید صادق حقیقت تلاش می‌کند تا مراتبی از دموکراسی را با قرائتی از فقه سیاسی به سازگاری رساند و بدین گونه دموکراسی را در چارچوب فقه سیاسی مورد بازخوانی قرار دهد. مراد او از دموکراسی نه چیزی در حد تفکیک قوا بلکه مفهومی اعم است که در برگیرنده رقابت و مشارکت سیاسی نیز می‌شود (Haghighat, 2012: 35).

دسته دوم؛ آثاری است که مستقلاً در باره رقابت سیاسی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به مقاله نوسازی رقابت سیاسی بر اساس مبانی و اصول رقابت سیاسی در بینش توحیدی امام خمینی^(ره) اشاره کرد. نویسندگان این مقاله با بررسی اسنادی آثار آن فقید تأکید می‌کنند که امام خمینی^(ره) با نفی هرگونه استبداد از قدرت سیاسی و پذیرش نقش تعیین‌کننده برای مردم، رقابت سیاسی را تکلیف محور و در جهت منافع و مصالح جامعه تعریف نموده و آن را به مثابه یک عبادت فراگیر دینی و شرعی و استباق در خیرات برای شایستگان سیاست تبیین کرده‌اند (karbalai pazoki & sajjadifar, 2022: 35). در لابلای مباحث شهید بهشتی نیز ایده‌های بزرگی نیز در باره رقابت سیاسی از منظر اخلاقی و دینی وجود دارد که در چشم‌انداز این مقاله تاثیر بسزایی نهاده است. در واقع وی نخستین متفکری دینی در ایران است که درک درستی از رقابت‌های سیاسی در دوره جدید داشت و به خوبی دریافته بود که امروزه دانش سیاسی جهت بررسی مسائل رقابتی به ابزار ریاضیات کاربردی مانند نظریه بازی‌ها روی آورده و از امکانات آن جهت کشف منطق آن

بهره‌مند شده است (Beheshti, 2011: 240). به غیر این آثار، نوشته‌های دیگری نیز وجود دارد که اشاراتی به بحث رقابت سیاسی دارند، اما جملگی آن‌ها به ذکر مبانی دینی و حقوقی پرداخته و کمتر به ضوابط و قواعد حاکم بر آن اشاره کرده‌اند. به همین دلیل، چندان هم نمی‌توان از این نوشته‌ها الگویی عملی جهت تسهیل رقابت سیاسی در اسلام استنباط کرد و در اختیار سیاستگذاران قرار داد. عطف به چنین خلایقی بود که مؤلف این مقاله بر آن شد تا با کشف قواعد حاکم بر بازی‌ها در باب سبق و رمایه راهی به سوی منطق بازی احزاب یا همان رقابت سیاسی باز نماید و بدین گونه به بی‌قاعده‌گی رقابت سیاسی در ذیل نظام اسلامی پایان دهد.

۲- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این مقاله بر دیدگاه شهید بهشتی در حکمرانی جمعی استوار است. از نظر او حکمرانی شخصی بی‌معناست. حکمرانی عملی جمعی است. حکمرانی جمعی نیز اگر منطبق بر قاعده نباشد به حکمرانی محفلی تبدیل می‌شود و بدین گونه آن را به فساد می‌کشاند. از این رو، چاره‌ای نیست جز این که حکمرانی جمعی را از مسیر رقابت سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی دنبال کنیم و آن را بر اساس مسابقه در خیرات قاعده‌مند سازیم. وی تأکید می‌کند: «شما فکر نکنید اگر حزب نباشد، دیگر دو دستگی نیست. این دروغ است. این خلاف است. به جای حزب چه هست؟ باند و دارو دسته. شما بفرمایید کی در تاریخ این مملکت سراغ دارید که دارو و دسته نبوده؟ بفرمایید. باز هم به حزب اقلا، اگر سازماندهی‌اش را کامل کند، برنامه سیاسی دارد، حسابی دارد، حساب و کتابی دارد و در و دروازه‌ای دارد. باند که دیگر این‌ها را هم ندارد. همه مفاسد حزب را دارد منهای محاسنش. یا دار و دسته است یا قطب است و مراد، به اضافه تعدادی مرید و ذره‌های گردان پیرامون قطب. این بدتر از حزب است» (Beheshti, 2009: 156). این بدین معناست که باندها همواره به حکمرانی معیوب منتهی می‌شوند، اما حکمرانی خوب و صحیح میل به قاعده‌مندی دارد و به همین دلیل همواره در پی روان سازی رقابت سیاسی ضابطه‌مند در ذیل خود است. اینکه چگونه می‌توان رقابت سیاسی را قاعده‌مند کرد؟ خود بهشتی بیشتر در پی ضابطه‌مند کردن اخلاقی و قانونی آن بود که در پایان این مقاله به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. اما می‌توان زائد بر چنین قواعدی نیز نگرش فقهی را افزود و بدین گونه رقابت سیاسی سالم را به نگاه شریعت نزدیک ساخت. در

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

واقع اگر رقابت سیاسی معطوف به مسابقه در خیرات - خیرات عمومی - باشد، رقابت نه تنها امری مذمومی نیست، بلکه امری ممدوح است و می تواند انرژی و امکانات جامعه اسلامی را در تقویت و کارآمدی نظام اسلامی بسیج نماید و بدین گونه بر تسهیل حکمرانی جمعی بیفزاید. این چارچوب به ما کمک نمود؛ اولاً رقابت سیاسی احزاب و گروه های سیاسی را در منطق بازی ها بفهمیم و سپس آن را در ذیل باب سبق و رمایه مورد بررسی قرار دهیم. گرچه بسیاری از متون فقهی به چنین اتساعی اشاره نکرده اند، اما اشارات شهید آیت الله سید محمد صدر در کتاب گرانسنگ ماوراء الفقه که به عموم بازی ها از منظر فقه پرداخته است، سبب شد تا این مقاله رقابت سیاسی را در چنین سامانه ای از فقاقت مورد بررسی قرار دهد.

۳- بحران رقابت سیاسی

امروزه جهان اسلام به ویژه منطقه خاورمیانه با بحران های متعددی دست و پنجه نرم می کند. مراد از بحران، خروج از وضعیت تعادل است به گونه ای که آسیب هایی را به دنبال دارد که بازگشت به حال تعادل را با دشواری همراه می کند. اما این که این بحران ها کدامند؟ و چرا ظهور می کنند؟ نیازمند مطالعات گسترده ای است که بخش زیادی از آن ها وجود دارد. بنابر مطالعات انجام شده، هیچده مورد بحران در بخش هایی از جهان اسلام، شناسایی شده که پاره ای از آن ها به بحران دموکراسی باز می گردد (Safavi, 2019). در واقع عدم وجود مدل سیاسی مطلوب در برخی از این کشورها به وضعیتی تنش آمیز مبدل شده و می تواند به بحران های دیگری مبتلی گردد. وجود ساختارهای پادشاهی و غیرمشارکت پذیر در برخی از این کشورها راه های دموکراتیک به قدرت را بسته و عملاً ساختارهای سیاسی را اقتدارگرا نموده است. گرچه در برخی از این کشورها، مشارکت در انتخابات درصد بالایی را تشکیل می دهد؛ اما حلقه مفقوده بسیاری از این نظام ها، فقدان رقابت سیاسی سالم است. این نشان می دهد که شرط وجودی یک نظام سیاسی باز، وجود رقابت سیاسی است و نه صرفاً مشارکت. به غیر از ساختارهای حقوقی و فرهنگ سیاسی جامعه که موجب فقدان رقابت سیاسی می شود، به نظر می رسد عامل سومی نیز دخیل است و آن، عدم تبیین مفهوم رقابت سیاسی در امتداد نگرش های دینی است که در برخی از برداشت های دینی، سر از اقتدارگرایی و عدم پذیرش آن در آورده است.

۴- جایگاه رقابت سیاسی در ابواب فقه سیاسی

اما آنچه بر سختی کار می‌افزاید تحلیل رقابت سیاسی از نظرگاه فقه سیاسی است که معمولاً فقهای ما کمتر بدان توجه کرده‌اند. این که رقابت سیاسی می‌بایست در درون چه بابی از ابواب فقه مورد تفقه قرار گیرد؟ پاسخ اندکی وجود دارد. اگر به گفته آیت‌الله بهشتی رقابت سیاسی را همانند رقابت حزبی، به مثابه «مسابقه خیرات» تعبیر کنیم، رقابت سیاسی نیز نوعی بازی و واجد قواعد اخلاقی و فقهی متفاوتی از تخاصم و جنگ است (Firhi, 2017: 206). در واقع، آیت‌الله بهشتی، اصل رقابت سیاسی را همانند حکمرانی حزبی نوعی بازی تلقی می‌کرد و آن را مسابقه در خیرات می‌دانست. به همین دلیل، وی نظریه بازی در ادبیات فقهی را ابزار تحلیل مشترکی برای بررسی مسائل رقابتی از جمله احزاب می‌دانست. به گفته او، این نظریه امکانات دستیابی به هدف را در موقعیت‌های تعارض آمیز فراهم می‌کند (Firhi, 2017: 216) و می‌تواند ما را در تحلیل فقهی رقابت سیاسی یاری رساند. آیت‌الله بهشتی، درک درستی از رقابت‌های سیاسی در دوره جدید داشت و به خوبی دریافته بود که امروزه دانش سیاسی جهت بررسی مسائل رقابتی به ابزار ریاضیات کاربردی مانند نظریه بازی‌ها روی آورده و از امکانات آن جهت کشف منطق آن بهره‌مند شده است. بی‌تردید، آنچه که از منابع دینی به دست می‌آید آن است که رقابت و منافسه نباید در محیطی کینه آلود ظهور کند و باعث نزاع و مرأ در میان مردم شود. از این‌رو، نخستین گام در اندیشه دینی، رها سازی رقابت سیاسی از استعاره جنگ و به تعبیر زیبای قرآنی استقرار آن در محیطی از مسابقه در خیرات است. این محیط که امروزه به دنیای بازی‌ها شهرت دارد، سبب می‌شود هم خشونت آن کم شود و هم هیجان پیروزی در بازی را همچنان جذاب بماند. این مستلزم آن است که ما این پیروزی را نه در قامت جنگ بلکه در درون یک بازی و مسابقه بازآفرینی کنیم. نظریه بازی‌ها بر این فرض استوار است که هر رقابتی اعم از سیاست و غیر آن، عبارت است از مسابقه بر اساس راهبردها و مهارت‌ها و نه بر اساس شانس فقط. با تفحصی که در ادبیات فقهی صورت گرفته به نظر می‌رسد چنین برداشتی از بازی تنها در کتاب سبق و رمایه وجود دارد و می‌تواند منطق دینی در باب بازی‌ها را تبیین و بدین گونه ما را در کشف احکام فقهی حاکم در رقابت سیاسی یاری رساند.

۵- قواعد باب سبق و رمایه

تا آنجا که محققین بررسی کرده‌اند، گفتمان رایج فقهی استقبالی از مفهوم رقابت سیاسی ندارد و به طریق اولی به تأمل در منطق آن نپرداخته است. با این همه به نظر برخی از فقه پژوهان در فقه مبحث کوتاهی با عنوان «سبق و رمایه» وجود دارد که به چند رقابت یا بازی و احکام آن‌ها اشاره دارد، اما این عنوان نیز ماهیت خاصی دارد و با درک ویژه‌ای از رقابت و بازی همراه است. تأمل در سبق و رمایه در ابواب فقه دو نکته اساسی را نشان می‌دهد: یکی آن‌که در مواجهه با مسأله رقابت، فقهایان اغلب اصل را بر بیهودگی و عدم مشروعیت آن و ذیل عناوین حرامی مثل قمار و لهُو گذاشته‌اند. دوم، چنان‌که از عنوان آن بر می‌آید، این باب را به بازی‌هایی اختصاص داده‌اند که استثنایی بر قاعده فوق به اعتبار غرض صحیح است. منظور از غرض صحیح نیز کسب آمادگی رزمی برای دفاع و جهاد است. از این رو، فقهاء این باب را اولاً در قالب مستثنیات بازی طرح کرده‌اند. این نقطه عزیمت نشان می‌دهد که بازی/رقابت علی‌المبنی لهُو و حرام یا حداقل مکروه است. ثانیاً این استثناءها را در امتداد باب جهاد و دفاع آورده‌اند و در آمدی بر آمادگی‌های رزمی دیده‌اند. اندیشه‌ای که بازی/رقابت را نه در استقلال خود، بلکه در مقدمه‌ای در راستای جنگ دیده است که امری جدی است، قاعده‌ای منطقی است که مقدمه هر امر مهمی نیز لاجرم مهم است. در نتیجه فقهاء به بحث مستقل در باره بازی/رقابت نپرداخته‌اند و با توجه به همین ملاحظات است که باب سبق و رمایه در فقه از کوتاه‌ترین ابواب فقه شده است.

از نظر معنای لغوی سَبَق - به سکون باء - مصدر باب سبق یسبق سبقا است به معنای سبقت گرفتن و جلو افتادن؛ و سَبَق - به فتح باء - به معنای عوض معینی است که به شخص برنده در مسابقه می‌دهند و نام دیگر آن: خَطَر و رهن است، و رمایه مصدر باب رمی یرمی رمیاً و رمایه است و به معنای تیر افکندن است. در اصطلاح فقهاء، سبق یا مسابقه عبارت است از این‌که دو یا چند نفر اسب دوانی کنند تا معلوم شود کدام سوارکار ماهرتر است و رمایه عبارت است از این‌که دو نفر با هم به سمت هدفی تیراندازی کنند تا معلوم گردد کدام تیرانداز دقیق‌تری است؛ و اینکه اسلام این دو نوع از مسابقه را حتّی با جعل مالی برای برنده مسابقه تجویز کرده برای این است که بدین وسیله اشخاص تمرین نموده و پیوسته آمادگی رزمی آن‌ها محفوظ می‌ماند و می‌توانند در نبرد علیه دشمنان اسلام کارساز باشند. از نظر فقهای عظام، سباق و رمایه، قراردادی جایز و مشروع است و

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

فرشتگان در شرط‌بندی در مسابقات سوارکاری و تیراندازی با کمان حاضر می‌شوند. در برخی از روایات نیز آمده است که به یقین، فرشتگان در هنگام شرط‌بندی فرار می‌کنند و صاحبان شرط را لعن می‌نمایند، مگر این که شرط‌بندی در سوارکاری و تیراندازی با کمان و نیزه باشد (Tarihi, 499: 1995). گرچه سباق در متون فقهی به موارد خاصی مثل تیراندازی و سوارکاری، تشریح شده است، اما می‌توان با الغاء خصوصیت، اصول و قواعد فقهی حاکم بر آن را نیز بر پدیده‌ای عقلانی که سرشتی از بازی دارد، استفاده کرد و به بیان نگرش اسلامی در این باره پرداخت. از این رو، همچنانکه سبق و رمایه عامل نشاط و سرزندگی زندگی مؤمنان است و آنان را در قبال دشمنان اسلام تقویت می‌کند، رقابت سیاسی نیز می‌تواند در یک رقابت صحیح، منافع بیشتری برای جامعه اسلامی تأمین کنند و بدین وسیله به تقویت جامعه اسلامی در قبال دشمنان اسلام بپردازند.

«لَا سَبَقَ إِلَّا فِي حَافِرٍ أَوْ نَصَلٍ أَوْ خُفٍّ. يَعْنِي جَائِزَةَ كُذِّبَتْ بِهَا مَسَابِقُهُ نَيْسَتْ، مَكْرًا لِأَسْبِ دَوَانِي، تِيرَانْدَازِي وَ شَتْرَدَوَانِي. وَ دَر رَوَايَتِي دِيْغَر نِيْز آَمَدَه اسْت: أَنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: كُلُّ لَهْوٍ فِي الدُّنْيَا فَهَوٌ بَاطِلٌ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ رَمِيكَ عَنْ قَوْسِكَ وَ تَأْدِيْبِكَ فَرَسِكَ وَ مَلَاعِبَتِكَ اَهْلِكَ فَإِنَّهُ مِنَ الْكُفْرِ. رَسُوْلُ خُدَا فَرَمُوْد: هَر نُوْع باْزِي وَ سَرگَرْمِي مَوْمِن باْطِل اسْت جَز دَر سَه مَوْرِد: تَرْبِيْت اسْب، تِيْرَانْدَازِي وَ سَرگَرْمِي با هَمْسَر وَ خَانَوَادَه كَه الْبَتَه اِيْن هَا از سَنْت اَنْد» (Har Ameli, 249: 1989).

دلیل استثناء این دو مورد نیز به گفته صاحب جواهر آن است که فایده اسب سواری و تیراندازی، برانگیختن اراده و تمرین برای آمادگی های رزمی و آموزش مهارت های تیراندازی برای جنگ با کافران است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۲۸: ۲۱۲). ظاهراً چنین دیدگاهی در اغلب نوشته‌های فقهی در این باره وجود دارد و فقیهانی چون صاحب جواهر نیز چیزی بدان اضافه نکرده‌اند. بعد از صاحب جواهر نیز مفهوم بازی در فقه شیعه گسترش یافت و فقیهان متعددی از جمله محمد جواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰ق) در باره آن سخن گفتند که عمدتاً به توسعه مصداقی مسابقات حلال پرداختند. اما به نظر می‌رسد تحلیل آیت‌الله سید محمد صدر (۱۳۲۲ - ۱۳۷۷ش) معروف به صدر دوم در کتاب ماوراء الفقه فصل جدیدی در این باره گشوده است. کتاب ماوراء الفقه، حاوی نوآوری غافل گیرکننده‌ای از دیدگاه رقابت سیاسی احزاب سیاسی از منظر دینی

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

است. ظاهراً وی اولین فقیه معاصر است که ذیل باب سبق و رمایه، برای اولین بار به تأمل به بحث «فکره المسابقات العامه» یعنی اندیشه عمومی بازی‌ها، پرداخته و در ماهیت فقهی آن تأمل کرده است.

از نظر او، مسابقات یا تجاری‌اند یا غیرتجاری و در هر دو صورت یا فردی‌اند و یا جمعی و سرانجام همه آن‌ها یا فائده مالی دارند و یا ندارند (Sadr, 1999: 123). شهید صدر، سپس توضیح می‌دهد که مسابقات غیرتجاری یا جوایز مالی دارد و یا نه. و در صورت داشتن جایزه یا از طرف بازنده پرداخت می‌شود و یا از طرف سوم خارج از مسابقه. به هر حال، فرق بین مسابقات تجاری و غیرتجاری اما جایزه دار، در این است که در مسابقات تجاری از تماشاگران حق ورود می‌گیرند و از این حیث بازی سودآوری اقتصادی دارد. روشن است که نفع و ضرر در زبان صدر دوم، از چشم انداز شرعی است. مسأله این است که از نظر فقهی چه بازی‌هایی حرام، مکروه یا قبیح است؟ در پاسخ او به تأسیس یک اصل می‌پردازد و می‌نویسد: «از دیدگاه شرعی مبنای جواز یا عدم جواز هر مسابقه‌ای در شریعت همان نفع و ضرر غیر مالی است و به همین جهت هم اخذ مال ممکن است روا یا حرام باشد. او سود و زیان را هم به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم کرده است:

فردی: منظور از سود و زیان فردی آن چیزی است که به شخص بازیگر می‌رسد مثل سلامت بدن، دقت فکر، تقویت برخی آمادگی‌های بدنی و ذهنی و البته ضد این‌ها ضرر محسوب می‌شود؛

اجتماعی: منظور از سود و زیان اجتماعی اثر اجتماعی بازی در جامعه است. هر چند صحیح این است که هر نفع و ضرر فردی پیامدهای اجتماعی هم دارد، مگر اینکه ملاک فردی و اجتماعی را تأثیرات آماری ملاحظه کنیم.

۶- احکام اجتماعی بازی‌ها

آیت الله سید محمد صدر پس از اشاره به انواع بازی، دوباره بر این اصل تأکید می‌کند: «بازی‌هایی که بی‌ضرر بوده و نفعی فردی یا عمومی دارند اشکالی در جواز آن‌ها و جواز تجارت با آن‌ها و جواز جایزه گذاشتن طرف سوم بر این بازی‌ها نیست.» وی با چنین دیدگاهی به برخی نکات فقهی در باره همه بازی‌ها اشاره می‌کند: در چنین بازی‌هایی نباید یکی از طرف‌ها را به ضد

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

و زیان دیگری تشویق کرد؛ زیرا هدف از بازی تشویق طرف‌های بازی برای بازی خوب است که نفع عام دارد و نه ضرورتاً ایجاد اختلاف میان بازیکنان و هواداران دو طرف. بنابر این، تشویق و هواداری به یکی از دو صورت ذیل جایز است:

الف. تشویق کلی هر دو طرف که نتیجه آن تشویق بر بهینه سازی اندیشه رقابت است. چنین چیزی شرعاً رحجان دارد؛

ب. تشویق طرف ضعیف و عقب مانده به منظور تلاش بیشتر برای جبران ضعف‌ها. چنین تشویق‌هایی که هم مصلحت فردی و اجتماعی بسیاری دارد، شرعاً رحجان دارد. اما تشویق‌های مذهبی و قومیتی و تعصب به اعتبار انتساب به شهر و جناح و فرقه‌ای خاصی از جامعه، مطلقاً ملغی و نامشروع است.

گاهی گفته می‌شود تجارت با چنین بازی‌ها و مسابقاتی حرام است و استدلال می‌شود که تجارت به هر نوع بازی حرام است. دلیلی که ممکن است یک فقیه برای چنین حرمتی اقامه کند این است که گفته می‌شود معنای تجارت در بازی عبارت است از دریافت پول و فروش بلیط برای حضور تماشاگران در ورزشگاه. چنین هزینه‌ای نفعی معقول ندارد و از نظر فقهی هر آنچه بی‌فایده است دریافت و پرداخت پول در قبال آن حرمت شرعی دارد. بدین سان، هر چند که نفس بازی‌های رقابتی مطلوب است، حضور و تماشا برای مردم دخلی در ماهیت بازی ندارد و به همین دلیل هم دریافت و پرداخت پول برای این حضور و تماشا حرام است. شهید صدر برای جواز شرعی این نوع تجارت دلایلی را بر می‌شمارد که برخی از آن‌ها چندان قانع کننده به نظر نمی‌رسند.

مطلب سوم در باره منبع و دهنده جایزه است و دو احتمال را می‌توان لحاظ کرد:

الف. بازی به گونه‌ای است که بازنده/بازنده گان در قالب قرار داد صریح یا ضمنی چیزی را به عنوان پاداش به طرف برنده می‌دهند.

ب. جایزه را نه طرفین بازی، بلکه شخص ثالثی به غرض حمایت از فکر مسابقه و اصل بازی به عهده می‌گیرد. هدف اصلی رواج فرهنگ بازی است. از آن روی که نتایج اجتماعی مطلوبی دارد و نه تشویق برنده. نوع دوم از بازی‌های رقابتی مسلماً جایز است و فرقی ندارد که جایز گزار حاکم اسلامی یا شخص عادی. یا نهادهای مدنی باشد. اما در خصوص بازی‌های دسته اول اختلاف وجود

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

دارد؛ برخی به جواز قائل‌اند، اما مشهور حرمت آن است. به هر حال قدر متیقن از جوایز در بازی‌ها همین بازی نوع اول است که جوایز خارج از طرفین بازی تأمین می‌شود. آنچه از دیدگاه این مقاله حاضر اهمیت دارد همین مطلب چهارم است. صدر دوم، در این بند به بررسی دو دلیل فقهی متعارض در خصوص بازی‌های رقابتی پرداخته است. یکی ناظر به منبع هر مسابقه‌ای غیر از موارد استثناء شده است و دیگری دلالت می‌کند بر جواز هر مسابقه‌ای که نفعی دینی و دنیوی دارد. دلیل دوم، جواز و حرمت را بر مدار نفع و ضرر دینی یا دنیوی می‌بیند. برخی مسابقات و بازی‌ها نافع نیستند. این‌گونه مسابقات نیز یا همراه با جایزه هستند یا نیستند. در صورت اول، جایزه یا از طرف بازنده است یا طرف سوم. دریافت جایزه از طرف بازنده قطعاً حرام است. بازی‌های رایگان و بدون جایزه به اقتضای اصالت برائت باید جایز باشند. همچنین بازی‌هایی که جایزه آن نه به اقتضای اصالت برائت بایدجائز باشند. همچنین بازی‌هایی که جایزه آن نه از طرف بازیکنان بلکه طرف سوم آن را تهیه می‌کند، نیز اگر به اعتبار تشویق اصل بازی باشد، شاید منعی نداشته باشد.

تولید و خرید و فروش ابزار و آلاتی که فقط کاربرد حرام دارند البته نامشروع است اما ابزار بازی که کاربرد دوگانه دارند هم می‌توان از آن در بازهای مشروع هم نامشروع استفاده کرد. چنین ابزارهایی، با مصارف دوگانه، تولید و توزیع شان طبیعتاً حرام نخواهد بود (Sadr, 1999: 139). در جامع المسائل مرحوم آیت‌الله شیخ محمد تقی بهجت که به مسابقه دو حزب نیز اشاره شده است، می‌خوانیم: «جایز است عقد مسابقه بین دو طایفه و دو حزب؛ پس هر حزبی، به منزله شخص واحد می‌شود در احتساب اصابه آن‌ها، یعنی مجموع افراد هر حزب به منزله واحد می‌شود و ایقاع عقد بین آن‌ها به توکیل واحدی از جانب آن‌ها می‌شود و تساوی عدد دو حزب، لازم نیست؛ پس می‌تواند یکی با سه نفر مرامات نمایند در سه رمی، یعنی واحد، سه رمی نماید و سه نفر، سه رمی، و هر کدام از آن سه، یک رمی نمایند. و لازم نیست تعیین دو طرف رمی— یعنی دو نفری که با هم رمی می‌نمایند— بعد از تعیین رامیها از طرفان، مگر آنکه با شرط در عقد، تعیین نمایند، و هم چنین تعیین ریسی از هر طرف که اختیار تعیین دو طرف رمی با او باشد. و چون هر حزبی به منزله شخص واحد است، پس اخذ و عُرمُ بالسویه بر آن‌ها توزیع می‌شود مگر با شرط تفاوت. و «رشق» (یعنی عدد رمی) به نحو صحیح توزیع می‌شود، پس اگر سه نفر هستند، باید عددی ثلث صحیح

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

دار رشق باشد، و هم ربع صحیح در اربعه و اگر در حزبی کسی باشد که نمی تواند تیراندازی یا سواری اسب — مثلاً — نماید و در او عقد باطل، و در مقابلش باطل شود، اختیار فسخ عقد برای دو حزب، به واسطه تبعض، ثابت است و کیفیت غلبه بین دو حزب، مثل کیفیت غلبه بین دو شخص است مگر آنکه با شرطی تعیین خصوصیتی نمایند» (Behjat, without, 429).

آیت الله بهجت نیز به تبع مرحوم علی بن عبد العالی کرکی (Kirki, 1991: 386)، قواعدی در باب سبق و رمایه بیان فرموده اند که می توان آن ها را بر رقابت بین دو حزب حاکم گرداند و بدین گونه راه را برای پذیرش رقابت سیاسی سالم در فقه اسلامی مفتوح نمود.

۷- قواعد حاکم بر سبق و رمایه

بر اساس آنچه فقهای ما در باب سبق و رمایه گفته اند بر این بازی ها اصول و قواعدی حاکم است که اکنون می توان آن ها را بدین گونه جمع بندی نمود:

۱. مسابقه دهندگان باید عاقل و بالغ باشند؛
۲. شرطش آن است که هر حزب / گروهی رئیسی جداگانه داشته باشد تا مسابقه از کار نیفتد؛
۳. ابزاری که برای مسابقه استفاده می شود از ابزاری باشد که در فقه مورد تأیید قرار گرفته است؛
۴. بازی و مسابقه نباید کمتر از دو گروه و حزب باشد تا مفهوم بازی صدق کند؛
۵. در مسابقه های جایز، آنچه که به عنوان پاداش به طرف مقابل پرداخت می شود، ویژگی خاصی ندارد، بلکه می تواند کالای موجود در خارج و به صورت نقد یا نسیه باشد؛
۶. می توان جایزه برندگان را از بیت المال پرداخت کرد، یا از سوی پیشوا و رهبر مسلمانان یا سازمان ها و اشخاص دیگر غیر از مسابقه دهندگان اهدا گردد؛
۷. این رئیس است که رقبای هر دو طرف را تعیین می کنند و اوست که رامی را تعیین می کند و به قرعه تعیین نمی شود.
۸. باید داوری غیر از این دو حزب باشد.

۸- فقه و رقابت سیاسی

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

- عطف به آنچه در تلقی رقابت سیاسی به مثابه بازی و همسازان سازی آن با منطق بازی‌ها در باب سبق و رمایه، اکنون می‌توان در باره حکم فقهی رقابت سیاسی گفت:
۱. رقابت سیاسی در معنای آن در نظام اسلامی در همان معنای عرفی‌اش در مغرب زمین، یک مسابقه در خیرات (مصالح عمومی) جامعه است؛
 ۲. رقابت سیاسی نهادمند در قالب احزاب سیاسی، موجب ساماندهی بازی قدرت است و می‌تواند رقابت برای تأمین قدرت را سامان‌مند کند؛
 ۳. افرادی که وارد رقابت سیاسی می‌شوند یا بدان می‌پیوندند باید عاقل (به معنای عام) و بالغ باشند؛
 ۴. احتیاط آن است که افراد، گروه‌ها و احزاب در شرایط برابری با هم رقابت کنند و ضعف و قوت امکانات و فرصت‌ها باید برای همه آن‌ها برابر باشد؛
 ۵. در رقابت سیاسی نباید از ابزار نامشروع استفاده نمایند؛
 ۶. رقابت سیاسی نیازمند تعدد در طرفین مسابقه است و طرفین مسابقه نباید کمتر از دو دسته و گروه باشند. این بدین معناست که فقه اسلامی نظام رقابت سیاسی تک حزبی را بر نمی‌تابد؛
 ۷. داور و حکم میان رقبای سیاسی نباید وابستگی دولتی و حزبی داشته باشد؛
 ۸. دولت اسلامی می‌تواند برای تأمین مخارج و هزینه‌های رقابت سیاسی از بیت‌المال مبلغی را به‌عنوان مساعده به آن‌ها پرداخت نماید؛
 ۹. این رئیس و کادر رهبری حزب است که تعیین می‌کند که چه کسی در رقابت‌های سیاسی مشارکت می‌کند و فرد نمی‌تواند به قید قرعه و یا بالاستقلال روانه رقابت شود؛
 ۱۰. ماهیت رقابت سیاسی برای پیروزی بر رقبیان و ظفر بر نتیجه رقابت یعنی مناصب قدرت است و قدرت فی حد نفسه نه مذموم است و نه ممدوح، مهم آن است که رقبای سیاسی باید آن را جهت تأمین بیشتر منافع و مصالح جامعه دینی بکار برند؛
 ۱۱. اگر سبق و رمایه برای آمادگی توده مردم جهت امر جهاد است نتیجتاً نظامیان که به طور حرفه‌ای این فن را دارند نباید در رقابت سیاسی شرکت جویند. حضور آنان در میدان رقابت سیاسی، موجب کاهش کارآیی حرفه‌ای آنان از یک سو و نیز ارباب دیگر بازیگران از سوی دیگر و در نهایت تسهیل کودتای نظامی از سوی آنان است.

۹- قواعد اخلاقی رقابت سیاسی

آیت الله شهید بهشتی نیز چهار اصل دیگر را بر این اصول اضافه می کند که بیش از آن که خصلت فقهی داشته باشند جنبه اخلاقی و حقوقی دارند:

صداقت: نخستین اصل رقابت صداقت است و احزاب باید بنا را بر صداقت و راستی بگذارند. هر اندیشه‌ای که دارند صاف و صریح با مردم در میان بگذارند. به مردم دروغ نگویند. نفاق نداشته باشند. منافق و دورو و دو چهره نباشند و مواضع عقیدتی، مواضع سیاسی، مواضع اقتصادی، مواضع اجتماعی و دیگر مواضع شان را در برابر نهادهای حاکم با صراحت بیان کنند.

احترام: احزاب بر مبنای اصل احترام متقابل عمل و حریم یکدیگر را حفظ کنند. برغم تفاوت دیدگاه، با برخورد تخریبی و منفی به یکدیگر هتک احترام نکنند. حسادت نورزند و خیلی صریح و برادرانه بگویند نقطه نظرهای مان در این جا یکی نیست، اما این که مقابل هم بایستند و صف آرایی کنند و یکدیگر را تخریب و تخطئه کند، چنین چیزی نباید باشد. ممکن است انتقاد هم به هم بکنند اما انتقاد روشنگر سازنده. فرض بر این است آنچه در جامعه و حکومت است باید برای همه به صورت یک میدان باز مسابقه در آید.

اصل تشکل و موقعیت فرا حزبی رهبری: به نظر بهشتی همه احزاب و گروه‌ها باید بکوشند تا برای مجموعه آن‌ها یک نقطه عالی هدایت کننده در یک جبهه اسلامی واقعی به وجود آید. این نقطه عالی را می توان در اصول مکتبی جست. «ما الان در شرایطی هستیم که باید نیروهایمان متشکل شوند. این تشکل‌ها می توانند در سازمانهای متعدد اسلامی که در خط اصیل اسلامی باشند، به وجود آید، اما برای مواقع حساس یک فرماندهی مشترک ضرورت دارد. این فرماندهی مشترک امروز به برکت نعمت وجود امام وجود و حضور دارد. البته شاید امام به هر حال نتوانند در همه مسائل دستورهای فوری و رهنمودهای فوری بدهند، اما لاقلاً در مواقع خطر، حضور امام توأم با حضور آن وحدت است. اما این کافی نیست. باید با یک نوع تشکل گسترده‌تر و یک جبهه اسلامی از گروه‌های مسلمان متعهد در خط امام با یک مدیریت وسیع‌تر، بالاتر، هدایت کننده‌تر و در نیت رهبری قوی‌تر و عالی‌تر به جود بیاید تا این نیروها در مواقع حساس بتوانند یک شکل برخورد کنند (Beheshti, 2011: 82-83).

فقه و بحران رقابت سیاسی در جهان اسلام

این عبارات نشان می‌دهد که در اندیشه بهشتی رهبری و ولایت فقیه به این معنا نیست که وجود او موجب بی‌نیازی جامعه از تشکل‌های سیاسی باشد. رهبری نماد وحدت دینی سیاسی جامعه و داور نهایی در شرایط بروز اختلاف بین احزاب و گروه‌های سیاسی است. اما احزاب و گروه‌ها سیاسی نیازمند ایجاد جبهه‌ای متشکل از همه این گروه‌ها هستند تا به وحدت رویه برسند.

محور و معیار بودن قانون اساسی؛ یعنی قانون اساسی باید مبنای هر گونه رقابت سیاسی باشد. البته روشن است که منظور از این سخن همه قانون اساسی به صورت کلی منسجم است و نه استناد به برخی مواد آن برای حاشیه راندن یا بی‌اثر کردن موادی دیگر. او تأکید می‌کرد: «مردم عزیز ایران، کم‌ترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود را تحمل نکنید. در جامعه‌ای که به قانون اساسی مصوب خود آن ملت بی‌اعتنایی و بی‌توجهی شود این خطر وجود دارد که استبدادها و دیکتاتورهای در شکل‌های جدیدش و با ظاهرهای فریبنده که به فکر ما هم نمی‌رسد از نو در افق ایران آزاد شده رخ بنماید و آزادی و استقلال و مردمی بودن نظام ما به خطر افکند. نسبت به قانون اساسی از هر گونه تخلف و تجاوز حساس باشید» (Beheshti, 2011: 83-84).

این اصول چهارگانه صرفاً توصیه‌های اخلاقی نیستند؛ بلکه شروط یک رقابت جوان‌مردانه هستند و به همین دلیل هم علاوه بر آن که شرط اخلاقی هستند می‌توانند مبنایی فقهی حقوقی برای رقابت سیاسی باشند. در واقع مبنایی که می‌توان ذیل آن، حد و مرز رقابت سیاسی را طرح و دنبال کرد. این شروط چهارگانه نماد رابطه برادرانه در آیه مبارکه و یسارعون فی الخیرات اند (آل عمران، ۱۱۴). از نظر قرآن یک مسابقه مثبت و سازنده تنها در جوی برادرانه بدست می‌آید و هر گونه رقابت منفی و رشک آمیز با آن‌ها را گناه و انحرافی خطرناک از اسلامی می‌شمارد. از این‌رو، از نظر شهید بهشتی، رقابت در جامعه دینی، ذیل عنوان مسابقه در خیرات هويت می‌یابد. مسابقه در خیرات همان مسابقه برادرانه است که تابع قواعد و احکامی متفاوت از تخاصم و جنگ قرار دارد.

نتیجه گیری

بررسی‌های اجمالی این مقاله نشان می‌دهد که اگر رکن رکن دموکراسی را رقابت سیاسی و نه مشارکت سیاسی بدانیم؛ آنگاه آسان‌تر می‌توانیم در باره علل و عوامل رکود دموکراسی در جهان اسلام اندیشه کنیم. بی‌تردید دموکراسی در جهان اسلام واجد مشکلات تاریخی و جامعه شناختی زیادی است، اما نبود فضای رقابت آمیز میان اقلشار مختلف جامعه که نتیجه آن انسداد سیاسی است تا کنون صدمات زیادی به روندهای مردم سالارانه زده است. شاید یکی از دلایل چنین امری به عدم تبیین رقابت سیاسی از منظر گاه اسلامی باشد که عملاً اسلام گرایان را از رقابت دموکراتیک با دیگر بازیگران دور کرده است. این که فقه اسلامی چه رویکردی به مسأله رقابت سیاسی دارد؟ و چگونه آن را در سامانه دولت اسلامی تحلیل می‌کند؟ پرسش مهمی بودند که در این مقاله مورد توجه قرار گرفتند. تلاش ما در عرصه رقابت سیاسی به باب سبق و رمایه، نشان می‌دهد که این باب می‌تواند منطق عام بازی‌ها اعم از سیاسی و غیرسیاسی را بازنمایی کند و قواعد حاکم بر آن را روشن نماید. بر اساس منطق سبق و رمایه، رقابت احزاب و گروه‌های سیاسی جهت تصاحب قدرت نه مذموم است و نه ممدوح. شرط رقابت ممدوح تلاش جهت تأمین مصالح عمومی جامعه دینی است و نظام اسلامی نیز باید با دوری جستن از نظام تک حزبی، زمینه را برای رقابت همه گروه‌های سیاسی فراهم آورد و به رقابت آنان در چارچوب شریعت اسلامی احترام ندهد. حکومت دینی در صورتی از آفت دور می‌شود که چنین رقابتی را به رسمیت شناسد و مانع آن نشود.

Translated References to English

The Holy Quran

A messenger, A.M. (2015). Jurisprudence and democracy, a comparative study of epistemological studies on the possibility of applying constitutional jurisprudence and deliberative democracy. *Journal of Politics*, 47(2), 439-423 (In Persian)

Bashiriyah, H. (2008). Transition to democracy. Tehran: Contemporary view (In Persian)

Behjat, M.T. (without). Jame al-Masayl Volume 2, quoted from the website of the Institute for Editing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Behjat (In Persian)

Beheshti, S.M.H. (2009). Islamic Republic Party: detailed positions. Dore Atar, 18, Tehran: Rozeneh Publishing House (In Persian)

- Beheshti, S.M.H. (2011). Islamic Republic Party, speeches, conversations, writings. Tehran: Rozeneh publishing **(In Persian)**
- Delawari, A. (2008). Investigating the roots of violence and instability in Iran. Doctoral thesis of Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran **(In Persian)**
- Firhi, D. (2012), jurisprudence and politics in contemporary Iran: political jurisprudence and constitutional jurisprudence. Tehran: Ney Publishing **(In Persian)**
- Firhi, D. (2013). Jurisprudence and politics in contemporary Iran: evolution of governance and Islamic jurisprudence. Tehran: Ney Publishing **(In Persian)**
- Firhi, D. (2017). Jurisprudence and party governance. Third edition, Tehran: Ney Publishing **(In Persian)**
- Haghighat, S.S. (2012). Political jurisprudence and democracy. Political thought in Islam, 2(4), 71-35 **(In Persian)**
- Har Ameli, M.H. (1988). Al-Wasal al-Shia, vol. 19, al-Sabb and al-Ramaye. Al Al Bayt Institute, peace be upon him **(In Persian)**
- karbalai pazoki, A., sajjadifar, M. (2022). Modernization of political competition based on the principles of political competition in Imam Khomeini's monotheistic vision. Islamic Revolution Research, 11(1), 35-55 **(In Persian)**
- Kirki, A.H. (1991). Jame Al-Maqasid Volume 8, Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him **(In Persian)**
- Khwaja Sarvi, Gh. (2003). A framework for analyzing competition and political stability with a view to the experience of the Islamic Republic of Iran. Political Science Quarterly, 3(3), 116-85 **(In Persian)**
- The truth, S.S. (2012). Political jurisprudence and democracy. Political thought in Islam, 2(4), 71-35 **(In Persian)**
- Moballeghi, A. (2016). DELIBERATIVE DEMOCRACY AND SHI'I JURISPRUDENTIAL THEORY OF NA'INI INVESTIGATION OF AN EPISTEMOLOGICAL POSSIBILITY FOR APPROACHING FORM A RIGHT-DUTY BASED SHI'A JURISPRUDENCE TO THE DELIBERATIVE DEMOCRACY. POLITICAL QUARTERLY, 46(2), 423-439 **(In Persian)**
- Tarihi, F. (1995). Bahrain Assembly. Volume 3, Tehran: Mortazavi bookstore **(In Persian)**
- The owner of the jewel, Muhammad Hassan bin Baqir. (1983). Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam. 7th edition, vol. 28, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi **(In Persian)**
- Sadr, S.M. (1999). beyond jurisprudence Beirut: Dar al-Azwa for printing and publishing and al-Tawzi'ah **(In Persian)**
- Safavi, S.H. (2019). Geopolitical crises in West Asia and North Africa. Tehran: Tehran University Press **(In Persian)**
- Tarihi, F. (1995). Bahrain Assembly. 3, Tehran: Mortazavi bookstore **(In Persian)**